



نقد اقتصاد سیاسی - نقد بتواریگی - نقد ایدئولوژی

<https://naghd.com>

هر گناه فرشته‌ی انتقامی دارد

نکاتی در باب افشاگری‌های «سِداتِ پِگر» علیه دولت ترکیه

مهر داد امامی



خرداد ۱۴۰۰

جوّ سیاسی ترکیه در روزهای اخیر علاوه بر مسائل حاد پیش‌تر موجود، تحت تأثیر ماجرای افشاگری‌های فردی به نام «سdat پکر»¹ از مافیاهای معروف بوده است، افشاگری‌هایی علیه دست‌کم بخشی از دولت حزب عدالت و توسعه و نیز آن‌چه «دولت پنهان» نامیده می‌شود. این افشاگری‌ها نه تنها مقامات حزب حاکم از جمله وزیر کشور کنونی، سلیمان سویلو، داماد اردوغان، برات آلبیراک (وزیر سابق اقتصاد) و محمت آغار (وزیر کشور در سال ۱۹۹۶) را هدف گرفته‌اند، بلکه پای تعداد زیادی از افراد وابسته به دستگاه حاکم را هم وسط کشیده‌اند. سdat پکر با انتشار ویدئوهایی در یوتیوب و به اشتراک گذاشتن‌شان در توئیتر و سایر شبکه‌های اجتماعی توانسته از شهرتی فزاینده ظرف روزهای اخیر برخوردار شود و خود را به یکی از «پدیده‌های مجازی» تبدیل کند. در این متن سعی می‌کنم با اشاره به این ماجرای اخیر کمی درباره‌ی نسبت دولت و مافیا در ترکیه صحبت کنم. اما پیش از آن باید نگاهی مختصر به تحولات رابطه‌ی بین دولت، دولت پنهان و مافیا در ترکیه داشته باشیم.

«تشکیلات مخصوصه»، «دولت پنهان» و باندهای تبهکاری

خواه دولت سرمایه‌دارانه را «کمیته‌ی اجرایی بورژوازی» در نظر بگیریم، خواه مجموعه‌ای متشکل از سازوبرگ‌های سرکوب و ایدئولوژیک، دولت پدیده‌ای است که درون خود اتحاد استراتژیک بخش‌های مختلفی از طبقات حاکم را ممکن و تضمین می‌کند، چه این طبقات حاکم مستقیماً در دستگاه دولت جای داشته باشند یا نه. بخشی از این طبقات حاکم بی‌شک ریشه‌هایی غیراشرافی دارند و به‌واسطه‌ی فعالیت‌های خود که طیفی از فعالیت‌های اقتصادی، کارگزاری سیاسی و سرکوب را شامل می‌شوند، «حاکمان خیابان» یا «دنیای زیرزمینی» می‌شوند. این گروه‌ها که گاهی در قالب سازمان‌ها و باندهای تبهکاری هم پدید می‌آیند، همواره رابطه‌ای نزدیک با دولت یا بخشی از جریان‌های تجسدیافته در دولت داشته‌اند. البته این بدین معنا نیست که آن‌چه عموماً باندهای مافیایی خوانده می‌شوند، لزوماً بخشی از سازوبرگ رسمی دولت هستند (که البته در مواردی هم امکان‌پذیر است)، بلکه بدین معناست که باندهای مافیایی که خود عموماً بخشی از طبقات حاکم یک کشورند، در بسیاری از بزنگاه‌ها تبدیل به بازوی اجرایی «تصمیم‌های کثیف» دولت می‌شوند و برای آن‌که دست دولت به «خون» یا «جنایت» آلوده نشود، خود را فدای «ملت» و «وطن» می‌کنند. عجیب نیست که پایگاه اجتماعی و سیاسی این قبیل باندها عمدتاً جریان‌ات راست، راست افراطی، مذهبی و طیف‌هایی از ملی‌گرایان بوده‌اند (اگرچه نمونه‌های چپ این باندها نیز چندان دور از تصور نیست).

¹ Sedat Peker

در ترکیه رابطه‌ی دولت و مافیا به واسطه‌ی ماجرای افشاگری‌های اخیر مجدداً در سطح عمومی مطرح شده است. بعضی از تحلیل‌گران اعتقاد دارند مسئله‌ی رابطه‌ی دولت و مافیا صرفاً به امروز ترکیه یا دهه‌ی ۱۹۹۰ محدود نمی‌شود، یعنی زمانی که برای نخستین بار رابطه‌ی دولت ترکیه با جریان‌های مافیایی به واسطه‌ی «واقعه‌ی سوسورلوک»^۲ به‌طور اتفاقی آشکار شد. به‌زعم این تحلیل‌گران، ریشه‌های این رابطه در تاریخ مدرن ترکیه به دوران «جمعیت اتحاد و ترقی» و سازمانی مخفی به نام «تشکیلات مخصوصه»^۳ برمی‌گردد که یک واحد نیمه‌سری شبه‌نظامی نزدیک به «انور پاشا» بود و پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی به «سازمان اطلاعات و امنیت ملی» در جمهوری ترکیه تغییر نام داد. ایدئولوژی بنیان‌گذار «تشکیلات مخصوصه» که سال تأسیس آن هم‌چنان محل مناقشه است (برخی معتقدند بین سال‌های ۱۹۱۱ تا ۱۹۱۳ تشکیل شد و برخی هم عقیده دارند در سال ۱۹۱۴ شکل گرفت) ترکیب ترک‌گرایی و اسلام‌گرایی بود و در دوران واپسین امپراتوری عثمانی هم درون کشور و هم بیرون از مرزها فعالیت‌هایی از قبیل اقدامات ضدّ اطلاعاتی، تبلیغات، سازماندهی و ترور انجام می‌داد. به سبب رابطه‌ی این تشکیلات با «جمعیت اتحاد و ترقی» آشکار است که این تشکیلات مخفی اساساً به عنوان واحدی درون وزارت دفاع فعالیت می‌کرده و حتی زمانی به صورت رسمی به وزارت جنگ وصل بوده است. به همین دلیل گفته می‌شود «تشکیلات مخصوصه» نقشی فعال در وقایعی مثل نسل‌کشی ارمنیان

^۲ نادر انتخابی در کتاب دین، دولت و تجدد در ترکیه (۱۳۹۲)، نشر هرمس، صص. ۳۴۱-۳۴۳ در این رابطه چنین می‌گوید: «شب سوم نوامبر ۱۹۹۶، در جاده‌ی ازمیر-استانبول در محلی به نام سوسورلوک، نزدیک شهر بالکسیر، مرسدس بنز ضدّ گلوله‌ی نماینده‌ی حزب راه راست در مجلس ترکیه به نام ادیب بوجاک با کامیونی تصادف کرد. ادیب بوجاک از تصادف جان به در برد اما سه سرنشین دیگر اتومبیل در جا کشته شدند. راننده حسین کجداغ نام داشت و افسر عالی‌رتبه‌ی پلیس، معاون پیشین اداره‌ی امنیت استانبول و رئیس دانشکده‌ی پلیس بود. دو سرنشین دیگر خودرو عبدالله چاتلی و معشوقه‌اش گونجا اوس بودند ... در صندوق عقب مرسدس نماینده‌ی شهر اورفا چند قبضه اسلحه، بسته‌های مواد مخدر و چندین گذرنامه‌ی واقعی با نام‌های جعلی پیدا شد. چاتلی با آن که رسماً تحت تعقیب پلیس بین‌المللی بود گذرنامه‌ی ویژه‌ی خدمت کارمندان دولت را داشت. روزنامه‌های ترکیه فاش ساختند ادیب بوجاک دست راست خانم چیلر و کمیسر کجداغ دست راست آغار بوده است. رئیس مجلس ترکیه و نخست‌وزیر هر یک کمیسیون ویژه‌ای برای بررسی این ماجرا تشکیل دادند. هر دو کمیسیون تحت فشار ارتش، سازمان‌های امنیتی و نزدیکان خانواده‌ی چیلر به بهانه‌ی حفظ امنیت کشور ناگزیر از پرده‌پوشی‌های بسیار شدند. با این همه اسنادی که پس از این ماجرا از طریق دو کمیسیون و روزنامه‌نگاران انتشار یافت، حکایت از آن می‌کرد که گروه چاتلی یکی از نه گروه مسلحی بود که به دستور مقامات دولتی شکل گرفته بود و نه تنها در ترور روشنفکران و شخصیت‌های سیاسی و بازرگانان گُرد شرکت داشت بلکه مسئول ربودن، شکنجه و قتل تعدادی از اعضای سازمان‌های اطلاعاتی ترکیه بوده است. این گروه گذشته از آدم‌ربایی و قتل در قاچاق مواد مخدر و پول‌شویی در منطقه‌ی ترک‌نشین شمال قبرس و ترکمنستان دست داشت و در مواردی برای حمل مواد مخدر از هلیکوپترهای ارتش استفاده می‌کرد».

^۳ Teşkilât-ı Mahsûsa

ایفا کرده است. به گفته‌ی احمد رفیق، نویسنده و مورخ تُرک، «این دسته‌ها از قاتلان و سارقانی بودند (محکومان محبوس) که از حبس آزاد شده بودند. آن‌ها دستورهای هفتگی خود را در محوطه‌ی وزارت جنگ دریافت کردند و سپس از طریق عامل واسطه تشکیلات مخصوصه به مرز قفقاز گسیل شدند. در طول قساوت‌هایی که در حق ارمنیان شد، این دسته‌ها بزرگترین جنایات را مرتکب شدند».^۴

در همین معناست که در سیاست ترکیه، به‌ویژه از سال‌های دهه‌ی ۱۹۷۰ به این سو، با پدیده‌ای به نام «دولت پنهان»^۵ یا «دولت در سایه» مواجه می‌شویم. این عبارت که به معنای «دولتی درون دولت» است، در ترکیه برای اشاره به ساختاری غیررسمی متشکل از مقام‌های امنیتی عالی‌رتبه، ادارات ضدجاسوسی، قوه‌ی قضائیه و نیز مافیا استفاده می‌شود که همواره بهانه‌هایی مثل امنیت ملی و بقای دولت را دلیلی برای تداوم فعالیت‌های خود از قبیل ترور، شکنجه، قتل‌های زنجیره‌ای موسوم به «جنایت‌های فاعل مجهول» و یا حتی اقدام به کودتا می‌دانند. در همین حین، شگفت‌آور نیست که بخش عمده‌ای از فعالیت این قبیل ساختارهای غیررسمی همواره برای مبارزه با نفوذ و گسترش کمونیسم به‌ویژه در دوران موسوم به «دکترین ترومن» ایالات متحد بوده است. از این منظر، باندهای تبهکاری نیز جزء لاینفک ساختار «دولت پنهان» بوده‌اند چرا که با توجه به پایگاه اجتماعی آن‌ها، این باندها بهترین گزینه برای فعالیت‌های خیابانی و زیرزمینی، شناسایی «عناصر خطرناک» و اقدام برای حمله، آدم‌ربایی، ترور و شکنجه‌ی فعالان سیاسی بوده‌اند. در پرتو این تحولات می‌توانیم به اهمیت افشاگری‌های اخیر سادات پَکَر برسیم، چرا که شاید برای نخستین بار در تاریخ مدرن ترکیه، نه یک حادثه یا اتفاق بلکه تضادهای سیاسی منجر به افشاگری درباره‌ی رابطه‌ی دولت و مافیا، آن هم از جانب یکی از رؤسای باندهای مافیایی شده است: سادات پَکَر.

مافیای اولکوجو^۶

بنا به صفحه‌ی ویکیپدیای سادات پَکَر، او از رهبران مافیا و سرکرده‌ی یک باند تبهکاری است. دیدگاه سیاسی‌اش پان‌تُرکیسم است و در میان «اولکوجوها» (ملی‌گرایان افراطی) حامیان زیادی دارد.^۷ باند پَکَر

^۴ برگرفته از صفحه‌ی ویکیپدیای «تشیلات مخصوصه».

^۵ Derin Devlet

^۶ اولکوجولوک (Ülkücülük) که به لحاظ واژگانی به معنای «ایدئالیسم» یا «ایدئال‌گرایی» است، ایدئولوژی بنیادین حزب «حرکت ملی‌گرا» است که ترکیبی از عثمانی‌گرایی، تُرک‌گرایی و اسلام‌گرایی است. در ساختار سیاسی ترکیه اولکوجولوک یکی از گرایش‌های اصلی در میان جریان‌های ملی‌گرا است و به همین خاطر بیشتر در مقام ملی‌گرایی افراطی ظاهر می‌شود.

در دهه‌ی ۱۹۹۰ در جرائم زیادی از جمله قتل، اخاذی، پول‌شویی، قاچاق مواد مخدر و اسلحه مشارکت داشت و به همین خاطر بارها محاکمه شده است. در دهه‌ی ۲۰۰۰ نیز پس از مجموعه‌ای از عملیات‌های دولت، سرانجام در سال ۲۰۰۷ به جرم تشکیل باند تبهکاری به بیش از ۱۴ سال حبس محکوم شد اما پس از فعل‌وانفعالاتی به ابتکار حزب حاکم در ۲۰۱۳ آزاد شد.^۸ سادات پِکر پس از آزادی به یک‌باره از «پدرخوانده‌ی مافیا» به تاجر نمونه تبدیل شد. برای مثال، پِکر با کمک‌های خیریه‌ای به نام «انجمن معلولان اسپاستیکی قوجالیلی» یا «انجمن نگه‌داری از کودکان نارس» برای خود اعتباری دست‌وپا کرد. در سال ۲۰۱۵، جایزه‌ی «خیرترین تاجر» را از «بنیاد توانبخشی و آموزش کم‌توانان ذهنی» دریافت کرد و در همان سال از طرف «انجمن تاجران و صنعت‌گران مملکت‌گرا» عنوان «رئیس افتخاری» را گرفت. پِکر در ۲۰۱۶ نیز با تهدید به قتل اساتید دانشگاهی مخالف که بیانیه‌ی «آکادمیسین‌های طرفدار صلح»^۹ را در نقد سیاست‌های سرکوب‌گرانه‌ی دولت ترکیه در مناطق کُردی امضا کرده بودند، دوباره مرکز توجه رسانه‌ها قرار گرفت. او هرچند به خاطر تهدید به قتل اساتید مخالف محاکمه شد اما حکم به برائت گرفت. پِکر در سال‌های پس از آزادی از زندان، تقریباً به کارگزار دولت حزب عدالت و توسعه تبدیل شد. او دو هفته پس از کودتای نافرجام ژوئیه‌ی ۲۰۱۶ با اردوغان بیعت کرد. در گردهمایی‌های زیادی شرکت جست و عکس خود را کنار اردوغان در قالب پوسترهایی بزرگ در محل‌های سخنرانی آویزان کرد. حتی در این گردهمایی‌ها با یک دستش علامت «گِگ» (خاکستری که نماد جنبش پان‌ترکیستی است) و با دست دیگر علامت «رابعه» (نماد اخوان‌المسلمین که اردوغان هم در قالب «یک ملت، یک پرچم، یک وطن و یک دولت» آن را تفسیر و به دفعات استفاده کرده بود) را نشان می‌داد. رابطه‌ی پِکر با دولت ترکیه تا سال ۲۰۲۰ بسیار خوب بود. پس از آن، پِکر به دلیل اختلافاتی تجاری که منجر به بازشدن دوباره‌ی پرونده‌اش در دادگاه شد، از ترکیه فرار کرد و در مونته‌نگرو مخفی شد و شروع به انتشار

^۷ هرچند مدتی است بخشی از پایگاه اجتماعی ملی‌گرایان افراطی که به حزب حرکت ملی نزدیکی دارند، مواضع سادات پِکر را تأیید نمی‌کنند و در عوض به یک رئیس مافیای دیگر یعنی علاءالدین چاکیجی که از نزدیکان رهبر حزب حرکت ملی، دولت باغچه‌لی است، متمایل شده‌اند.

^۸ دولت حزب عدالت و توسعه ظرف سالیان اخیر به واسطه‌ی قدرت فراقانونی خود توانسته بخش عمده‌ای از ساختار حقوقی ترکیه را تغییر دهد، ساختاری که در میان کمالیست‌ها تاریخاً به عنوان «دولت حقوقی یا قانونی» همواره مورد ستایش بوده است. مثلاً در سال‌های اخیر، دولت ترکیه با پشتیبانی «حزب حرکت ملی‌گرا» به رهبری «دولت باغچه‌لی» پیشنهاد اصلاح قانون عفو محکومان را ارائه کرده و پیش برده است. طی همین فعل و انفعالات بسیاری از محکومان سابقه‌دار، از جمله علاءالدین چاکیجی، رئیس بزرگ‌ترین باند تبه‌کاری ترکیه طبق آمار وزارت کشور، در چند سال اخیر شامل عفو و از زندان آزاد شده‌اند.

^۹ در این رابطه بنگرید به [کودتا در دانشگاه‌های ترکیه](#)، فلاخن شماره‌ی ۱۰۴ سایت منجیق.

مجموعه‌ای از توضیحات افشاگرانه کرد. در این مجموعه توضیحات از قصد برات آلبایراک، داماد اردوغان برای پرونده‌سازی علیه خود سخن گفت. با این‌که دادستانی در ترکیه علیه پِکر برای فروش سلاح به «یگان‌های مدافع خلق» سوریه اعلام جرم کرده بود، او گفت که به «یگان‌های مدافع خلق» کمک نکرده است بلکه به جمعیت مسلمانان تُرک در سوریه کمک کرده و شخص او در فهرست هدف «سازمان‌های تروریستی» است. حتی عنوان کرد که به همین دلیل زمانی که در مقدونیه بود، دولت ترکیه «نیروهای پلیس محافظ» برای او اختصاص داده بود. پِکر پس از تقریباً یک سال سکوت، مجدداً در سال ۲۰۲۱، این بار با پناه بردن به امارات متحد عربی شروع به انتشار ویدئوهای افشاگرانه برای «ظلمی که در حقش شده»^{۱۰} کرد. وزارت کشور ترکیه در مارس ۲۰۲۱، با همکاری با تشکیلات پلیس و واحد مبارزه با جرایم سازمان‌یافته، داده‌هایی را در رابطه با باندهای تبهکاری در این کشور منتشر کرد. طبق این داده‌ها، پس از باند «علاءالدین چاکیچی» با ۴۲۸ نفر و باند «سدات شاهین» با ۲۵۷ نفر عضو، باند «سدات پِکر» با ۲۵۳ نفر عضو سومین باند بزرگ تبه‌کاری در ترکیه است. در پی این جلسات، در آوریل امسال عملیاتی گسترده برای دستگیری اعضای باند پِکر در پنج شهر ترتیب یافت و افراد زیادی دستگیر شدند. پِکر به خاطر «ظلمی» که طی این عملیات به خانواده‌اش شده (به گفته‌ی او نیروهای پلیس ویژه هنگام تفتیش ویلایش به روی دختر کوچک و همسر او سلاح کشیده‌اند) از دوم می شروع به انتشار ویدئوهای افشاگرانه علیه دولت ترکیه کرد و تاکنون از او هفت ویدئو منتشر شده است. او در این ویدئوهای جدید درباره‌ی شخص وزیر کشور ترکیه، سلیمان سویلو و جریانی به نام «پلیکانی‌ها»^{۱۱} (به نمایندگی برات آلبایراک) درون دولت افشاگری و انتقاد می‌کند و نام سیاست‌مداران، روزنامه‌نگاران و

^{۱۰} تا به امروز یعنی ۲۳ می ۲۰۲۱ هفت ویدئو با فاصله‌ی سه-چهار روز در میان منتشر شده‌اند و این روند ادامه دارد. عناوینی که پِکر برای ویدئوهای خود انتخاب می‌کند نیز جالب است. این عناوین به ترتیب عبارتند از: «پیمان‌کار بی‌حقوقی‌ها علیه شخص من محمت آغار و پلیکانی‌ها هستند»؛ «سیمای واقعی محمت آغار و پلیکانی‌ها»؛ «اهالی دولت عمیق و پلیکانی‌ها: یک سه‌پایه و دوربین شما را شکست خواهد داد»؛ «بعضی‌ها قبل از آن‌که شیر داستان خود را بگویند، فریب شکارچی را خوردند، همدیگر را خواهیم داد»؛ «هر گناه فرشته‌ی انتقامی دارد»؛ «عظمت ظفر با دشواری مبارزه سنجیده می‌شود»؛ و «کسانی که بی‌واهمه به زندگی می‌نگرند، از مرگ هم هراسی ندارند». جالب این‌که اطلاعات ویدئوهای پِکر ظرف روزهای گذشته با عنوان «مینی‌سریال نارکوز نسخه‌ی ترکیه» وارد سایت IMDb هم شد، هرچند پس از چند روز از روی این سایت حذف شد.

^{۱۱} پلیکانی‌ها (Pelikancılar) یا گروه پلیکان (Pelikan Grubu) مجموعه‌ای از افراد درون یا نزدیک به حزب عدالت و توسعه به سرکردگی برات آلبایراک و برادر او، سرهات آلبایراک هستند که نام آن‌ها در سال ۲۰۱۶ طی وقایعی زباز شد که منجر به استعفای احمد داوداوغلو، نخست‌وزیر وقت شد. این گروه همچنین نفوذ بالایی هم در رسانه‌های ترکیه دارد. برای مثال گفته می‌شود در جریان اعتراضات پارک گزی در سال ۲۰۱۳ بخشی از سانسور خبری رایج در رسانه‌های خبری و تصویری آن دوره با ابتکار عمل همین گروه پیش رفته است.

مقامات زیادی را به زبان می‌آورد. سادات پکر که هم‌زمان عنوان «رئیس مافیا» و «تاجر» را یدک می‌کشید، با این هم‌اوردجویی در برابر دولت ترکیه در این روزها عنوان «مبارز و پناهنده‌ی سیاسی» را هم کسب کرده است.

سادات پکر درون جریانات ملی‌گرای افراطی طرفداران زیادی دارد. او تا پیش از وقایع اخیر همواره رابطه‌ی خوبی با «حزب حرکت ملی‌گرا» داشته که از آن به عنوان حزب فاشیست‌های ترکیه نام برده می‌شود. در ویدئوهای افشاگرانه‌اش هم مدام خود را «فدایی و دیوانه‌ی وطن» معرفی می‌کند، کسی که به فکر «بقای دولت» است و هدفش نشان دادن این است که «بخشی از دولت» و نه «همه‌ی» آن به دنبال حذف و بدنام کردن او و همچنین اضمحلال کلیت دولت هستند. البته او خود را نه چپ و نه راست می‌داند و در یکی از ویدئوها خودش را «عقل‌گرا» و بدین خاطر طرفدار پیامبر اسلام و آتاتورک معرفی می‌کند. همچنین با افتخار می‌گوید از دل جریان ملی‌گرایی افراطی بیرون آمده و در عین حال فرزند پدری چپ‌گراست و برای چه‌گوارا هم ارادت خاصی قائل است. او همچنین شخص اردوغان را هم هدف نمی‌گیرد و همواره از ارادت خود به او می‌گوید و با خطاب کردن وی در قالب «رئیس‌جمهور محترم» معتقد است که خود اردوغان خوب است، هرچند «اطرافیان» بدی دارد. دولت، ملت، ملی‌گرایی، مسلمانی، ناموس، شرف و غیره از عناصر پرتکرار صحبت‌های پکر در این ویدئوها هستند. موارد افشاگری هم طیف‌های وسیعی دارند. در حالی که از یک طرف او شخص سلیمان سویلو را هدف می‌گیرد و با لقب دادن «سلیمان تمیز» به او روابط خود را با وی برملا کرده و می‌گوید چرا رابطه با من را انکار می‌کنید، از طرف دیگر هم به تمام کسانی که به خاطر در امان ماندن وجود روابط مختلف خود را با پکر منکر می‌شوند اخطار می‌دهد که رسوایشان خواهد کرد. بعضی وقت‌ها نام افراد مشخصی را می‌آورد و گاهی هم از جریان «پلیکانی‌ها» صحبت می‌کند. مثلاً ادعا کرده بود که یکی از خبرنگاران ترکیه به نمایندگی از سلیمان سویلو در حال تلاش برای حل اختلاف با او در تماس بود، اما فرد مذکور این ادعا را رد کرد. پکر هم ویدئوی تماس تصویری خودش را با آن خبرنگار به اشتراک گذاشت و نهایتاً آن فرد مجبور به عذرخواهی از وزیر کشور شد، هرچند طی بیانیه‌ای اعلام کرد که شخص سویلو هیچ خبری از این موضوع نداشته است. علاوه بر این، آن خبرنگار از سمت خود در یک بولتن خبری و نیز از عضویت در جمعیت روزنامه‌نگاران ترکیه هم اخراج شد. به همین دلیل، پکر با ژستی از «حقیقت‌جویی» مدام تکرار می‌کند که «شما را با یک سه‌پایه و دوربین» شکست می‌دهم. ویدئوهای او تنها در یوتیوب بین سه تا پنج میلیون بیننده دارند و در شبکه‌های اجتماعی هم علاوه بر مباحث سیاسی، سوژه‌ی شوخی‌های گوناگون شده‌اند. با این اوصاف، تا کنون دسترسی به ویدئوهای او به راحتی وجود دارد که این خود

مایه‌ی تعجب است؛ چرا که دولت ترکیه برای افشاگری‌هایی کم اهمیت‌تر سابقه‌ی محدود و ممنوع کردن دسترسی خبری، مطبوعاتی و اینترنتی را به محتواهای خاص داشته است. این گمان وجود دارد که بخشی از دولت ترکیه، همان گروهی که معروف به «پلیکانی‌ها» هستند، با علاقه به انتشار این افشاگری‌ها که در واقع عمدتاً علیه شخص سلیمان سویلو است، و با فراهم کردن عرصه برای دادگاهی کردنش به دنبال حذف او هستند. زیرا سویلو یکی از کسانی است که در حزب عدالت و توسعه به عنوان جانشین اردوغان برای ریاست حزب محسوب می‌شود. از نظر برخی، واکنش دولت ترکیه می‌توانست اعلام ممنوعیت پوشش اخبار مربوط به این موضوع باشد، اما مدارای دولت نشان از آن دارد که شاید بهتر است این افشاگری‌ها انجام شود تا دولت هم بتواند یک‌باره از خود رفع اتهام کند، در عین آن که تصویری مدافع آزادی بیان از خود به جای می‌گذارد. عده‌ای هم معتقدند این واکنش حزب حاکم حاکی از اقتدارگرایی مطلق ساختار سیاسی کنونی ترکیه و در کل جدی نگرفتن ماجرا و عدم ضرورت پاسخ‌گویی به یک «رسوایی» سیاسی است. حتی این دوره‌ی اخیر را با سال‌های اواخر دهه‌ی ۱۹۹۰ مقایسه می‌کنند، زمانی که روابط دولت، مافیا و پلیس ترکیه به واسطه‌ی «واقعه‌ی سوسورلوک» بر همگان عیان و منجر به استعفای وزیر کشور وقت شد. با این اوصاف، در دوره‌ی اخیر، افشاگری‌های پُکر موجب استعفای هیچ‌یک از مقامات دولتی و قضایی نشده است، اگرچه افراد زیادی را در مظان اتهام با سند و مدرک می‌گذارد. او حتی با اعتراف به جرم خود مقامات کشوری را تهدید به افشاگری‌های بیشتر می‌کند. مثلاً در ویدئوی ششم عنوان کرد در سال ۲۰۱۵ بنا به درخواست یک نماینده‌ی مجلس از حزب عدالت و توسعه گروهی را برای حمله به روزنامه‌ی «حُریت» سازماندهی کرد. یا در رابطه با قتل‌های زنجیره‌ای روشنفکران و فعالان سیاسی در دهه‌ی ۱۹۹۰، از محمت آغار، وزیر کشور وقت در آن دوره به عنوان عامل سازمان‌دهنده‌ی ترور «اوغور مومجو»، روزنامه‌نگار منتقد در ۱۹۹۳ یاد کرد. همچنین از نقش فرزندان مقامات حزب عدالت و توسعه در پول‌شویی‌ها، قاچاق مواد مخدر، قتل و سرپوش گذاشتن بر تمام این موارد با ذکر جزئیات مثال می‌زند. لحن صحبت او نیز ترکیبی از جدیت و شوخ‌طبعی است. برای شخصیت‌های سیاسی مختلف القاب مشخصی انتخاب می‌کند و در کل ویدئوها از آن‌ها با همان القاب نام می‌برد. پیش از شروع هر ویدئو نیز، همانند معلمی که در کلاس درس حضور و غیاب می‌کند، نام تک‌تک اشخاص سیاسی نظیر سلیمان سویلو و محمت آغار را می‌آورد و از «پلیکانی‌ها»، «روزنامه‌نگارانی که شرف‌شان به اندازه‌ی حقوق‌شان است» و «چپ‌های مصنوعی» هم می‌خواهد در کلاس او سر جای خود حاضر باشند تا او به سخن‌رانی بپردازد. روی میزی که پشت آن می‌نشیند، نیز اقلامی مثل کتاب و گردنبند ذوالفقار و گاهی عکس امام اول شیعیان قرار دارد. کتاب‌هایی از قبیل

زندگی‌نامه‌ی تروتسکی به قلم آیزاک دویچر، رمان‌های داستایوفسکی و آثار بیلماز اوزدیل، روزنامه‌نگار تُرک. نکته‌ی جالب توجه این است که سادات پَکَر در مقابل انتقاداتی از این قبیل که چرا زودتر دست به افشاگری نزده است چنین پاسخ می‌دهد که او هرگز ادعای «رهایمی‌بخشی» برای مردم نداشته و اکنون که دولت ترکیه قید او را زده و «در حقش ظلم کرده» مجبور به افشاگری شده است. در عین حال، مدام از «برادران/خواهران عزیز» و «ملت ترکیه» می‌خواهد که به او لبیک بگویند و در راه بازسازی دولت ترکیه در قالب «دولت متحد تُرکی» یا «توران» قدم بردارند. با این اوصاف، مدام سوگند می‌خورد که هدفی برای مشارکت در سیاست، تشکیل حزب، اعلام کاندیداتوری برای پارلمان و غیره ندارد و قصدش فقط آگاهی‌بخشی درباره‌ی ظلمی است که به او رفته و همچنین رسوا کردن کسانی که هرگونه ارتباط با او را در گذشته کتمان می‌کنند.

دولت ترکیه یک‌بار دیگر با بحرانی اُرگانیکی مواجه است. رئیس مافیایی که تا دیروز از جانب حزب حاکم گرامی داشته می‌شد و در کنارش گردهمایی سیاسی برگزار می‌کردند، امروز در حکم یکی از بزرگ‌ترین دشمنان دولت است. البته حزب عدالت و توسعه ید طولایی در این نوع رابطه با مافیا و طریقت‌های مذهبی دارد. مثلاً فتح‌الله گولن که خود از پدران معنوی «آک پارتی» بود و نزد اردوغان و طرفدارانش «هُجَا اِفندی» لقب می‌گرفت، پس از مدتی با ایجاد دولت موازی اصلی‌ترین رقیب اردوغان و حزبش برای حکومت بر کشور و به یکی از اهداف «مبارزه با تروریسم» تبدیل شد. دوست دیروز به قامت دشمن امروز درآمد. عنصری از خود دولت بلوک حاکم را دچار گسست کرد و موجب بازیگری آن شد. دولت نیز در این معنا با توجه به معنای اشمیتی آن به ناگزیر تجلی قدرت تصمیم‌گیرنده در باب تعریف و بازتعریف دوستی و دشمنی شد. بر این اساس، دشمن نیز در قامت موجودیتی درمی‌آید که برای دولت حاکی از «خطر وجودی» است. بنابراین، دوست دیروز تبدیل به دشمن امروز و نماد شرّ مطلق می‌شود که راهی برای مواجهه با او وجود ندارد مگر اعلان جنگ. اما دولت ترکیه در ماجرای اخیر هنوز آشکارا علیه سادات پَکَر اعلان جنگ نکرده است، اگرچه سعی کرده بخشی از اعضای باند او را دستگیر کند. حتی ادعا می‌شد بنا بر درخواست دولت ترکیه از پلیس اینترپل نام پَکَر در لیست قرمز قرار گرفته، اما بعدتر مشخص شد که چنین اتفاقی نیفتاده است. به هر ترتیب، پَکَر هم اعلام کرده اگر دولت ترکیه به دنبال بازگرداندن اجباری او به کشور باشد، تا آخرین قطره‌ی خورش در برابر نیروهای امنیتی مقاومت مسلحانه خواهد کرد. تمام این ماجراها نشان می‌دهد که شکاف درونی حزب حاکم و بلوک راست در ترکیه مجدداً در حال تعمیق است. اگرچه این شکاف ممکن است دولت حزب عدالت و توسعه را از پا در نیاورد و یا منجر به تغییرات در دستگاه دولتی و قضایی کشور نشود، به هر ترتیب تأثیر بسزایی در کاهش

مشروعیت آن دارد و افزون بر این، قد علم کردن مافیایی که تا دیروز یار غار طبقه‌ی حاکم در ترکیه بود خود گویای تشدید آنتاگونیسم‌های سیاسی - اقتصادی در بلوک حاکم است. در چنین فضایی، همان‌طور که بخش عمده‌ای از نیروهای مخالف دولت از جمله احزاب چپ و سوسیالیست عقیده دارند، وظیفه‌ی نیروهای سیاسی مترقی نه مسحورشدن در برابر افشاگری‌هاست چونان که گویی این حقیقت‌ها تا پیش از این بر هیچ‌کس آشکار نبوده، بلکه خراب‌کردن کل عمارتی است که این افشاگری‌ها در حکم خِشت‌های کوچکی در بدنه‌ی آن هستند که به آرامی از جای خود کنده می‌شوند.